فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc429015563)

[رحلت آیت الله بروجردی و نقشه های شوم استعمارگران 2](#_Toc429015564)

[حذف قرآن از قانون 3](#_Toc429015565)

[مبارزه با قانون ضد اسلامی 3](#_Toc429015566)

[انقلاب سفید 3](#_Toc429015567)

[خطبه دوم 5](#_Toc429015568)

[فکر و اندیشه امام (ره) 6](#_Toc429015569)

[اصول اندیشه امام (ره) 6](#_Toc429015570)

[نقش زن از دید امام (ره) 6](#_Toc429015571)

# خطبه اول

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# رحلت آیت‌الله بروجردی و نقشه‌های شوم استعمارگران

سی‌امین سالگرد شهادت شهدای 15 خرداد را گرامی می‌داریم و به همین مناسبت صحبتم در دو خطبه در مورد امام (ره) و 15 خرداد است. در اینجا اشاره‌ای می‌کنم به تاریخچه 15 خرداد و ورود امام (ره) در صحنه مرجعیت عالم تشیع و رهبری انقلاب بزرگ است که باید همواره آن تاریخ حرکت ساز و 15 خرداد مبدأ نهضت که امام (ره) به 15 خرداد عشق می‌ورزید باید در خاطر ما و در حافظه ما همیشه زنده بماند.

در فروردین سال 1340 ه. ق آیت‌الله‌العظمی بروجردی که یک مرجعیت عامه و متمرکز در عالم تشیع داشتند، ارتحال می‌کنند و دستگاه طاغوتی و وابسته شاهنشاهی که برای محو اسلام و از بین بردن روحانیت و مذهب نقشه‌های نهادی در سر می‌پروراند. با رحلت این آیت‌الله احساس آرامش کرد و به گمان واهی و باطل خودشان سد بزرگی که در برابر نقشه‌های شوم استعمارگران وجود داشت از بین رفت و چنین شد که بعد از رحلت ایشان نقشه‌ها و برنامه‌های جدیدی در کشور ما به صحنه آورده شد تا آثار دین، مذهب، روحانیت، استقلال و عظمت این کشور را پایمال کنند و در اختیار اجانب و بیگانگان قرار دهند.

در پایان همان سال آیت‌الله کاشانی که یک روحانی سیاسی بزرگ بود و در نهضت نقش بزرگی را ایفا کردند از دنیا رفتند و جبهه ملی یا خاموش شدند یا وابسته به دستگاه شاه با این وقایع فکر می‌کرد که سد فولادین و دژ استوار روحانیت فرو ریخته است غافل از اینکه **«مَا نَنْسَخْ مِنْ آیةٍ أَوْ نُنْسِهَا نَأْتِ بِخَیرٍ مِنْهَا أَوْ مثل‌ها أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَی کلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ»[[3]](#footnote-3)** «هر حکمی را نسخ کنیم، و یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می‌آوریم. آیا نمی‌دانستی که خداوند بر هر چیز توانا است؟!» اگر بروجردی رفت و اگر آن پشتوانه قم و حوزه علمیه از میان رفت، مرجعی و قائمی بزرگ‌تر و رجل الهی که به‌مراتب قوی‌تر در عرصه سیاست و مبارزه شروع خواهد کرد. دستگاه و رژیم شاه و آمریکا به یک چیز دل‌خوش کرده بودند و آن چیز این بود که دیگر رهبری واحد و متمرکز در قم و در عالم تشیع طلوع نکند.

علی‌رغم فکر واهی آن‌ها و خواسته آن‌ها قم زنده شد و با ظهور امام (ره) در صحنه مرجعیت عالم تشیع یک دگرگونی بزرگ در تاریخ پیدا شد. در کرسی مرجعیت رجل و شخصیت ظهور پیدا کرد که اول سیاستمدار عالم است و با ذهن روشن و ضمیر پاک خود همه ترفندهای سیاسی دنیای معاصر را می‌شناسد و این‌گونه بود که آن‌ها دل‌بسته بودند به آن خلأ مرجعیت و رهبری بعد از مرحوم آیت‌الله بروجردی و دست زدند به آزمایش تا قدرت مردم را بسنجند.

# حذف قرآن از قانون

اولین نقشه شیطانی و استعماری خود را با طرح داستان انجمن‌های ایالتی و ولایتی و قانون انتخابات مطرح کردند و طبق آن مصوبه‌ای که دولت در سال 1340 داشت نام قرآن در قانون مبدل به کتاب آسمانی شد و برای فریب دادن مردم به زنان حق رأی داده شد. عمده آن این است که قرآن و اسلام به‌عنوان کتاب و دین رسمی کشور از قانون حذف شد، این اولین آزمایشی بود که رژیم بعد از آیت‌الله بروجردی می‌خواهد انجام دهد. امام (ره) در پشت جریان مراجع را جمع و روحانیت را وارد صحنه سیاست کرد و به مردم آگاهی و هوشیاری دادند.

# مبارزه با قانون ضد اسلامی

در مهرماه سال 1341 روحانیت و مردم بیدار سراسر کشور در طول دو ماه وارد صحنه برخورد با اسدالله علم نخست‌وزیر حلقه‌به‌گوش آمریکا و شاه شدند و با تلگراف‌ها، حضور در صحنه، سخنرانی‌ها دولت مجبور شد که عقب‌نشینی کند. در اینجا آنکه از همه بیدارتر بود و بهتر می‌دانست که این‌ها چه می‌کنند امام (ره) بود که در صحنه وحدت حضور داشتند. در پشت‌صحنه نشست‌های مراجع و روحانیون و حرکت مردم را هدایت می‌کردند و کار را به‌جایی کشاندند که دولت وقت به همه امیدهایی که داشت که حرکت اسلام زدایی را بعد از بروجردی شروع کند، دیدید که این کار شدنی نیست و برای اولین بار حوزه بزرگ قم که به دست مرحوم آیت‌الله حائری پایه‌ریزی شده بود و با درایت و رهبری آیت‌الله بروجردی جان گرفته بود اسلام و روحانیت تشیع در برابر دستگاه پهلوی حرف نهایی را زده بودند و آن‌ها مجبور شدند رسماً تلگراف بزند و بگوید ما دست از این قانون برداشتیم و باز امام به یک تلگراف بسنده نکرد و فرمودند: باید رسماً در رسانه‌های گروهی اعلام شود که این قانون ضد اسلام ملغی است.

این‌گونه بود که در روز 10 آذر 1341 بعد از گذشت دو ماه از یک مبارزه جدی روحانیت و مردم با قانون ضد اسلامی بر دستگاه پیروز شدند و این اولین کار بزرگی بود که امام (ره) انجام دادند. امام (ره) بعد از پیروزی روحانیت در این صحنه در جمع طلاب قم سخنرانی کردند و فرمودند: شما قدرت دارید و اگر یگانه باشید و در زیر پرچم اسلام جمع باشید و از حمله مهاجمان نهراسید دارای قدرتی هستید که در مصوبه رسمی نظام سرا پا مسلح و وابسته به آمریکا بر دشمن پیروز شدید.

# انقلاب سفید

برای مرحله دوم مسئله انقلاب سفید و موارد شش‌گانه اصلاحاتش را شاه مطرح کرد و آن در زمانی بود که دموکرات‌ها در آمریکا روی کار آمده بودند و اصرار داشتند که اصلاحاتی باید انجام گیرد. نخست‌وزیر در آن زمان امینی بود و آمریکا به شاه گفته بود که خود وارد کار شود وگرنه تخت و تاجت در خطر است. شاه خود وارد کار شد و برای دومین مرحله قضیه‌ای که پیش آمد مسئله انقلاب سفید و اصلاحات شاه بود و رفراندوم که هم از نظر قانونی و هم از نظر شرعی اشکالاتی در آن بود. بار دیگر امام (ره) در مقابل آن رفراندومی که شاه می‌خواست برگزار کند بیانه‌ای دادند که از نظر قانونی و شرعی اشکالات آن را بیان کردند و چون شاه دید امام (ره) کوتاه نمی‌آید رفراندومش را در 6 بهمن 1341 برگزار کردند و امام (ره) هم آن حرکت روشنگری و بیدار کردن مردم را ادامه دادند تا اینکه محرم 1342 رسید.

شاه چون این وضع را دید که امام (ره) با قاطعیت در مقابل آن‌ها ایستاده است در 25 شوال و دوم فروردین 1342 به فیضیه حمله کردند و این جریان مرحوم آیت‌الله گلپایگانی هم بودند. امام (ره) از این جریانات کمال بهره‌برداری را کرد و در سخنرانی‌های خود گفتند که گناه ما چیست؟ جز اینکه برای صلاح ملت و استقلال و عظمت و بقای دین و مذهب حرف زدیم. جزای ما این بود که شما و کماندوهایتان به فیضیه حمله کنید و با طلبه‌هایی که در مکتب امام صادق (ع) درس می‌خوانند این‌گونه رفتار کنید. اوج برخورد امام (ره) و روحانیت زنده و بیدار در قم با دستگاه در عاشورای 1383 و خرداد 1342 مجسم شد.

در روز عاشورا امام (ره) تصمیم گرفتند به‌عنوان یک مرجع و در مقام مرجعیت در پایگاه امام صادق (ع) بر کرسی خطابه بنشیند و حقائق را برای مردم بازگو کند. از کانال‌های مختلف و همچنین رئیس ساواک قم پیام مخصوصی را از شاه آورده بود که گفته بود ما در این قضیه کوتاه نمی‌آییم و اگر شما در روز عاشورا در فیضیه قم سخنرانی کنید حمام خون به راه می‌افتد. علی‌رغم همه فشارها که از کانال‌های مختلف روی امام (ره) بود تصمیم خود را گرفته بود.

**«مَن کانَ لِلّه کانَ اللّهُ له» [[4]](#footnote-4)** او میان خود و خدای خودش پاک بود و از هیچ چیز نمی‌ترسید و توده‌های مردم و فطرت پاک مردم و امام (ره) را شناخته بودند و فهمیدند که یگانه کسی که می‌تواند از مجد اسلام و عظمت اسلام و ارزش‌های والای الهی دفاع کند خمینی کبیر است بنابراین مردم هم آماده فداکاری شدند.

بالاخره نزدیک ظهر عاشورا امام (ره) در میان خطرهای فراوان از خیابان‌های قم عبور کرد و وارد پایگاه امام صادق (ع)، پایگاه جهاد و اجتهاد شد. بر کرسی خطابه و سخنرانی نشست و مسیر تاریخ را با آن سخنرانی عوض کرد و راه آینده ملت اسلام را به آن‌ها نشان داد و برای اولین بار یک مرجع با یک سخنرانی و خطابه آتشین نقشه‌های شیطانی استعمار، آمریکا، اسرائیل و شخص شاه را برملا کرد و فرمودند: مصیبت‌ها از سه جا ناشی می‌شود؛ آمریکا، اسرائیل و شاه یعنی خطر ما از این سه رکن است و این مثلثی است که مصیبت بر کشور به بار می‌آید، امام (ره) در آن روز عاشورای حسینی را تجدید کردند و تاریخ عوض شد.

آقا مصطفی نقل می‌کنند که از امام پرسیدند: چرا این‌طور؟

امام (ره) فرمود: من قبل از آن ترس از آن داشتم که نتوانم به وظیفه خود عمل کنم و این را وظیفه می‌دانستم و باید تکلیف بزرگ الهی خود را به ملت اعلام و ابلاغ کنم و با این سخنرانی، مبارزه وارد جریان جدی می‌شود و دیگر جریان نخست‌وزیر و دولت و مسائل ریز نیست، مسئله شخص شاه و اسرائیل و آمریکاست. مسئله این است که چرا باید درحالی‌که اعراب در جنگ با اسرائیل هستند شاه ایران صمیمی‌ترین روابط را با اسرائیل دارد و آمریکا چه حقی دارد که برای ملت مسلمان تعیین سرنوشت کند و مسئله این است که اسلام از اساس در خطر است.

دشمنان حالا می‌دیدند که داستان این مرد الهی شوخی نیست یک قضیه جدی آن هم نه در سطح کشور که در جهان اسلام و در برابر استکبار جهانی مطرح است و علی‌رغم فکرهای واهی خودشان، با چشمان خود دیدند که بعد از بروجردی شخصیت والاتری درخشید و ماه مجلس شد و صحنه مرجعیت و زعامت امت اسلام با حضور و وجود او درخشندگی خاصی پیدا کرد پس بنابراین تصمیم گرفتند که برخورد جدی کنند و امام (ره) را دستگیر کردند.

مردم رشید و فداکار قم و تهران و تعداد دیگری از شهرها با شنیدن دستگیری امامشان صبحگاه 15 خرداد با فریاد «یا مرگ، یا خمینی» به صحنه آمدند. امام (ره) را منتقل به زندان کردند و تا مرز شهادت امام (ره) رفتند اما علما اجتهاد ایشان را تأیید کردند وایشان را به شهادت نرساندند و ایشان را به قیطریه منتقل کردند و برای مدت زیادی امام در حبس بودند. حدود چند ماه امام در زندان و حبس بودند و انواع نقشه‌ها را هم در آنجا اعمال کردند که امام (ره) را تضییع و تخریب کنند اما این کار شدنی نبود و اول فروردین ایشان را آزاد کردند و در روزنامه‌ها اعلام کردند که امام (ره) با ما سازش کرده است. امام در اولین سخنرانی در درسشان فرمودند: من هرگز با دستگاه سازش نمی‌کنم و بر سر مواضع ایستاده‌ام.

به دنبال همین جریان در اواخر سال 1343 مسئله کاپیتولاسیون مطرح شد و در این قانون حق دخالت در امور داخلی و امتیازهای فوق‌العاده‌ای را به مستشارهای آمریکایی دادند. امام (ره) بار دیگر در صحنه حاضر شد و فرمود: سکوت جایز نیست. با موضع‌گیری امام (ره) آن‌ها دیدند که دیگر جای تحمل امام (ره) نیست و به دنبال آن جریان امام (ره) را تبعید کردند.

**«بِسْمِ اللّه الرحمن الرحیم، وَالْعَصْرِ، ان الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»[[5]](#footnote-5)**

# خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه + و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[6]](#footnote-6) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# فکر و اندیشه امام (ره)

همان‌طور که عرض کردم به مناسبت 14 خرداد سالگرد ارتحال امام (ره) و سی‌امین سالگرد 15 خرداد خطبه اول و دوم در همین زمینه و در مورد شخصیت امام (ره) و نهضت 15 خرداد است و اما آنچه در خطبه دوم در نظر گرفته‌ام نکات برجسته فکر و اندیشه امام (ره) است. ایشان از 15 خرداد و قبل از آن و حتی در دوران جوانی و همان وقت که کشف‌الاسرار را نوشتند طرح حکومت الهی را در سر می‌پروراندند و برخلاف دیگران که خواسته‌های جزئی و معمولی داشتند در طول نهضت امام (ره) دنبال یک طرح بزرگ و یک تحول عظیم و برپایی نظام الهی بودند و افرادی را ساخته بودند که در همین مسیر قدم بردارند و وجدان مردم هم آن طرح را و آن تز امام (ره) را پذیرفتند، نه با یک رأی‌گیری ساده بلکه در معرکه‌های خون و شهادت پای بندی‌های خودشان را به اندیشه امام (ره) اعلام کردند.

# اصول اندیشه امام (ره)

- یک اصل بزرگ و مهم در ذهن امام (ره) مسئله رهبری و ولایت‌فقیه بود. امام (ره) معتقد بود که بر مبنای تفکرات اسلامی رهبری و هدایت جامعه باید در دست یک شخصیت علمی و صالح باشد و این‌که حکومت اسلام بدون ولایت‌فقیه امکان‌پذیر نیست و این از اصول مهم فکری امام (ره) بود.

- اصل دیگر در تفکر امام (ره) اعتماد به مردم بود، آن زمان که امام (ره) وارد صحنه شدند دستگاه حاکم بر کشور که بیگانه از مردم و مزدور بود، علما و روشنفکرها و کسانی هم که در کشور با دستگاه مخالفتی داشتند اعتمادی به مردم نداشتند.

امام (ره) در فلسفه سیاسی‌شان معتقد بودند که اگر با مردم درست برخورد شود و بهای لازم داده شود و درک سیاسی و رشد سیاسی به مردم داشته باشد مردم خودشان در صحنه وارد می‌شوند و نیاز به زور نیست. اگر ما درست عمل کنیم مردم در صحنه هستند. در همان سال‌های آغازین و در 15 خرداد و در طول انقلاب تکیه‌گاه امام (ره) بعد از خدا و در پرتو عنایات خدا، مردم و اصل اعتماد بر ملت بود و عقیده ایشان این بود.

- اصل دیگر در تفکر امام (ره) تأکید بر نقش جوان بود. امام (ره) در داخل حوزه و در سراسر کشور روی نیروی جوان و هدایت جوان تأکید داشتند برای اینکه این نیرو است که می‌تواند تحولات بزرگ را ایجاد کند و کشور را از انحرافات مصون بدارد.

- اصل دیگر بر تفکرات امام (ره) تأکید بر نقش زن بود. امام (ره) در طول سال‌های مبارزه در طول این 20 و چند سال نشان دادند که برای زن ارزش قائل‌اند، نه ارزشی که غرب می‌خواهد زنان و دختران ما را پای مطامع شهوت‌رانان و مردهای شهوت‌ران غرب کنند آن ارزش نیست حیوانیت است.

# نقش زن از دید امام (ره)

امام دو نقش بزرگ را برای زن قائل بودند:

1) نقش مهم تربیتی در کانون خانواده که باید محور و پایگاه مهر و محبت و تربیت فرزندان سالم و شایسته باشد و این نیاز به این دارد که زن اطلاعات، سواد و رشد سیاسی و علمی داشته باشد.

2) نقش دوم نقش اجتماعی بود، امام (ره) معتقد بودند که الگوی زن‌ها حضرت خدیجه کبری (س) که در کنار پیامبر اسلام (ص) و حضرت زهرا (س) که در کنار امام علی (ع) از امامت و ولایت دفاع کرده است. الگوی زنان زینب (س) است که پیام نهضت عاشورا را به دنیا ابلاغ کرد.

امام روی مسئله نقش روحانیت تأکید داشت و اینکه نقش روحانیت اختصاص به محراب ندارد و باید نقش اجتماعی و سیاسی داشته باشند و کار ایشان این بود که حوزه‌ها را متحول و روحانیت و تفکراتشان را دگرگون کنند.

- اصل دیگر در تفکرات امام (ره) طرح اسلام آمریکایی و بیان ویژگی‌هایی بود که اسلام آمریکایی دارد که آمریکا اسلام را قبول دارد اگر در غالبی که خود می‌خواهد بگنجد وگرنه اسلام ناب محمدی مورد پذیرش آمریکا نیست.

(اخیراً کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا در پیام عید قربان اعلام کرده است که ما حاضر هستیم با مسلمان‌ها همکاری کنیم، افراط‌گرایی اسلامی درست نیست.)

- اصل دیگر در تفکرات اجتماعی امام (ره) این بود که حج همان‌طور که یک عبادت خالصانه است بخشی از این عبادت خالصانه برائت از مشرکین است.

- اصل دیگر که در تفکرات امام (ره) نقش محوری و مهم داشت این بود که باید فقه به حکومتی شود و مشکلات و معضلات اجتماعی را فقها باید دقیق بشناسند تا بر اساس این شناخت فقه را پاسخگوی مشکلات عصر کنند.

ایشان ضمن اینکه فقیه بزرگ و مرجع عالی‌مقام بودند و معتقد به فقه سنتی و استنباط صحیح و سیره سلف صالح بودند درعین‌حال مسائل و مشکلات جدید را بر فقه عرضه می‌کردند و پاسخش را ارائه می‌دادند. با این روح و اخلاص و عمق فکری بود که امام (ره) توانست معجزه عصر را پدید آورد و در عصری که همه تحلیل می‌کردند که اسلام به آخر رسیده امام (ره) اسلام ناب را عرضه کرد و جریان جدیدی آر فقه و حکومت اسلامی در دنیا مطرح کرد.

اما امروزه امام (ره) در بین ما زنده است، راه امام در ولایت‌فقیه و رهبری مقام معظم رهبری (دام‌ظله) مجسم است، اندیشه‌ها و تفکرات امام (ره) در پیام‌ها، سخنان و نوشته‌های ایشان منعکس است. آینده ما نیاز به این دارد که تفکرات خالص اما (ره) باقی ماند و امت ما برای تداوم آن راه و قدردانی از این نعمت الهی باید در صحنه از جمله صحنه انتخابات حاضر باشند. در وصیت‌نامه امام (ره) یک بخش مهم تأکید بر حضور در صحنه انتخابات است و امیدواریم که مردم این را واقعاً نشان دهند که پایبند امام (ره) هستند. اگر ما **«لَئِنْ شَکرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکمْ»[[7]](#footnote-7)** اگر شکرگزار این نعمت الهی باشیم مشکلات را برای رسیدن به نظام کامل الهی تحمل کنیم و اطاعت از رهبری را حفظ کنیم. خداوندا ما را فزونی خواهد بخشید و ما را هدایت خواهد کرد.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. سوره حشر، آیه 18** [↑](#footnote-ref-2)
3. **سوره البقره، آیه 106**. [↑](#footnote-ref-3)
4. . شرح أصول الکافی (صدرا)، ج 1، ص 372 [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره والعصر [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره الإبراهیم، آیه 7 [↑](#footnote-ref-7)